

## دیدگاه شما درباره قدرت کدام است؟ مثبت یا منفی؟

برای قدرت دو روی یکی مثبت و دیگری منفی در نظر می‌گیرند. معمولاً روی منفی در قالب فرماندهی و فرمانبرداری ظاهر می‌شود. اگر من ببرم، شما می‌بازید. از این دیدگاه، داشتن قدرت بدان معنی است که فرد می‌تواند قدرت خود را بر دیگری اعمال یا تحمیل کند و این تحمیل قدرت نمی‌تواند موجب بهبودی طرف دیگر شود.

مدیریتی که براساس روی منفی قدرت گذارده شود، افراد را چیزی جز آلت دست خود نمی‌داند که به هنگام ضرورت آنها را استثمار یا فدای مقاصد خود می‌نماید. این یکی از جنبه‌های قدرت است که از نظر معنا یا مفهوم، ضد اصل خود کار می‌کند، زیرا اگر افراد چنین احساس کنند که بازچه دست دیگران قرار گرفته‌اند در برابر آنان مقاومت خواهند کرد یا نقشی خنثی و بی تفاوت بر عهده می‌گیرند در هر یک از این دو حالت، ارزشی که آنها برای مدیریت دارند، بسیار محدود می‌شود. روی دیگر سکه یا جنبه مثبت قدرت را می‌توان در توجهی که به هدفهای گروه می‌شود، توجیه کرد. زیرا، فرد با استفاده از قدرت درصدد تعیین هدف و تامین آن برمی‌آید. چون از این دیدگاه به قدرت نگاه کنیم دارای مفهومی متفاوت می‌شود، یعنی اعمال قدرت از جانب دیگران و نه بر آنان. مدیرانی که می‌خواهند قدرت خود را به صورت مثبت اعمال کنند، اعضای گروه را تشویق و تقویت می‌نمایند تا بر صلاحیت و شایستگی خود بیفزایند و در نتیجه بتوانند به عنوان فرد و عضو سازمان در کارها موفق شوند. بعضی از پژوهشگران این رشته به جنبه مثبت قدرت توجه می‌کنند و می‌گویند: مدیران به هیچ وجه در شرکت مدیریت نمی‌کنند، بلکه آنها به نوعی فعالیت آموزشی و یاد دادن می‌پردازند. هر فلسفه، نگرش و فعالیت تجاری که شرکت با اعضا به کار ببرد، افراد به همان گونه با مشتریان برخورد می‌کنند. قدرت می‌تواند به راحتی جنبه نهادی به خود بگیرد. کسانی که دیگران به قدرتشان ایمان و اعتقاد دارند و پذیرفته‌اند که آنان دارای قدرت هستند راحت تر می‌توانند به مردم اطراف خود اعمال نفوذ نمایند و بدین طریق صاحب قدرت اصیل تری می‌گردند. از همین دیدگاه، فقدان قدرت از جمله شرایطی است که به زحمت می‌توان برآن فائق آمد.

قدرت به مدیران محدود نمی‌شود. همه اعضای سازمان به سبب داشتن نوعی دانش، مهارت یا اعمال کنترل بر منابع می‌توانند مقداری قدرت اعمال نمایند. در یک شرکت، همکاران فروشنده، قدرت دارند، زیرا آنها در پست‌هایی هستند که می‌خواهند رضایت مشتریان را به دست آورند. در یک بیمارستان پرستاران با تجربه می‌توانند بر پزشکان تازه وارد هنگامی که بخواهند موجودیت خود را برآنان تحمیل کنند قدرت‌هایی اعمال نمایند و حتی متصدی دستگاه تکثیر دارای مقداری قدرت است، زیرا می‌تواند مسیر کارهایی مدیر را سد نماید یا آن را بهبود بخشد.

از این رو، قدرت یکی از واقعیت‌های مهم حیات سازمانی است. مدیران نه تنها باید آن را به عنوان جزء جدا نشدنی شغل و وظیفه خود به حساب آورند، بلکه باید با شیوه کارکرد آن آشنا باشند و از آن سوء استفاده نکنند تا سریع تر بتوانند هدفهای خود و سازمان را تامین نمایند.

دکتر حمید سرایداریان